

درنگی در ماهیت قیام ۱۵ خرداد

۲۹ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۳۲

نهضت‌هایی هم که بعد از نهضت مشروطه پدید آمدند، هیچ یک خلوص تمام نداشتند و به عناصر سیاسی و فرهنگی و فکری غرب آلوده بودند؛ حتی نهضتی که در اواخر دهه بیست و اوایل دهه سی برای مبارزه با استعمار پدید آمد، آلوده به برخی فرآورده‌های فکری و سیاسی غرب (مثل ناسیونالیسم و لیبرالیسم) بود.

در تاریخ معاصر ایران و سایر کشورهای اسلامی، جنبش‌ها و قیام‌های متعددی در طول ۱۵۰ سال اخیر روی داده است؛ زیرا از همان زمان که تهاجم استعماری غرب به جهان اسلام آغاز شد، به تدریج قیام‌هایی نیز به وقوع پیوست. نخستین قیامی که در تاریخ معاصر ایران به وقوع پیوست، قیام تنباکو بود. گرچه این قیام، قیام اسلامی بود و رهبری آن را نیز بالاترین چهره مذهبی (میرزای شیرازی) و نهاد روحانیت برعهده داشت، ولی هدف «بازدارندگی» داشت و دگرگون کردن نظام سیاسی ایران را به سبب اوضاع و احوال ویژه آن زمان، دنبال نمی‌کرد. به همین دلیل، بعد از آنکه شاه قاجار و استعمارگران انگلیسی عقب‌نشینی کردند، قیام نیز به هدف و پایان خود رسید و اوضاع عادی شد. به عبارت دیگر، قیام تنباکو به اهداف تعیین شده و مورد نظر خود رسید و مانع عملی شدن توطئه‌های استعماری شد.

در میان جنبش‌ها و قیام‌هایی که بعد از قیام تنباکو روی دادند، هیچ یک به اهداف خود دست نیافتند. برخی از آن‌ها در همان ابتدای کار راه دیگری را پیمودند، برخی نیز در نیمه راه از حرکت بازماندند و یا اینکه به انحراف کشیده شدند.

یکی از علل مهم ناکامی جنبش‌ها و قیام‌های مذکور این بود که در روش، ماهیت و حتی در هدف، خالص نبودند و آلودگی‌هایی داشتند که همین آلودگی‌ها مانع بزرگی بر سر راه پیروزی آن‌ها شد. به عنوان مثال، نهضت مشروطه از نظر ماهیت و اهداف، خالص نبود. به این دلیل از نظر ماهیت، خالص نبود که گرچه رهبری آن با علمای دین بود، ولی عناصر غرب‌گرا و حتی جاسوسان و عوامل استعمار در درون آن نفوذ کردند و ضمن منحرف کردن آن نهضت، ماهیت آن را نیز دگرگون نمودند. خالص نبودن نهضت مشروطه از نظر هدف نیز به این معنی است که همان غرب‌گرایان و عوامل استعمار که به درون نهضت نفوذ کرده بودند، با تمام وجود و با غوغاگری‌های فراوان سعی کردند اهداف اسلامی نهضت را محو نمایند و اهداف لیبرالیستی، اومانیستی و در یک کلام اهداف عاریه‌ای و بیگانه‌پسند را برای آن تعریف کنند؛ یعنی همان چیزی که اکنون نیز برخی در صدد هستند، همان اهداف را برای نهضت مشروطه تعریف نمایند و غوغاگری کنند که هدف نهضت مشروطه چنین و چنان بود. مشروطه خواهان غرب‌گرا، در روش نیز مشروطه را آلوده کردند. روش آن‌ها، روشی بود که از غرب اقتباس شده بود. به همین دلیل، ترور، کشتار، غوغاگری، استفاده از هر ابزار ناسالم و شیطانی برای رسیدن به هدف و...، بخشی از روش مشروطه طلبان غرب‌گرا برای رسیدن به هدف بود.

نهضت‌هایی هم که بعد از نهضت مشروطه پدید آمدند، هیچ یک خلوص تمام نداشتند و به عناصر سیاسی و فرهنگی و فکری غرب آلوده بودند؛ حتی نهضتی که در اواخر دهه بیست و اوایل دهه سی برای مبارزه با استعمار پدید آمد، آلوده به برخی فرآورده‌های فکری و سیاسی غرب (مثل ناسیونالیسم و لیبرالیسم) بود. به همین دلیل نیز بین دو جناح مذهبی و غیرمذهبی این نهضت اختلاف افتاد و زمینه برای شکست آن فراهم گردید. نهضتی که امام خمینی از سال ۱۳۴۱ هـ. ش آغاز کرد و منجر به قیام مهم و تاریخی ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ شد، تنها قیامی است که خلوص تمام داشت و به هیچ یک از عناصر فکری، سیاسی و فرهنگی غرب آلوده نبود. بنابراین، قیام ۱۵ خرداد را باید قیامی دانست که در نوع خود بدیع بود و نظیری در تاریخ معاصر نداشت. شاید آن زمان که قیام ۱۵ خرداد اتفاق افتاد، فقط افراد معدودی به این درک رسیده بودند که قیام ۱۵ خرداد با همه قیام‌های تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام متفاوت است و اساساً نه تنها به دگرگونی در ایران بلکه به دگرگونی در کل جهان اسلام و حتی به دگرگونی در کل جهان می‌اندیشد و می‌خواهد فضای مادی حاکم بر جهان را از میان بردارد. اما امروز که قیام ۱۵ خرداد در پی پیروزی و شکوفایی انقلاب اسلامی، به بخش بزرگی از اهدافش دست یافته است، کاملاً آشکار می‌باشد که قیام ۱۵ خرداد با هیچ یک از قیام‌ها و جنبش‌هایی که در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام روی داد، قابل مقایسه نیست. قیام ۱۵ خرداد، ادامه و استمرار نهضت‌های و جنبش‌های دیگر هم نیست، بلکه خود یک مبدا است، زیرا همان‌طور که گفته شد، در ماهیت و هدف و روش با تمام نهضت‌ها و جنبش‌های قبلی تفاوت دارد. امام خمینی در این باره می‌فرماید: این قیامی که در ۱۵ خرداد شروع شد و تاکنون باقی است و امید است باقی باشد تا همه اهداف اسلام جامه عمل بپوشد، قیامی اسلامی است، قیامی ایمانی است، پیرو هیچ قیامی نیست. همه می‌دانیم که ۱۵ خرداد مبدا عطفی بود در تاریخ، نه اینکه پیرو نهضت‌ها و قیام‌های دیگر، این شعار باید محفوظ باشد که این قیام، قیام ملی نیست؛ این قیام، قیام قرآنی است؛ این قیام، قیام اسلامی است. (۱)

موضوع دیگری که ماهیت قیام ۱۵ خرداد را از سایر جنبش‌ها و قیام‌های تاریخ معاصر ممتاز می‌کند، عوامل انسانی و شرکت‌کنندگان این قیام است. گرچه در جنبش‌های قبلی نیز مردم به تصور اینکه مسیر جنبش، مسیر مردمی و اسلامی و تعالی بخش است، شرکت می‌کردند، ولی واقعیت این است که منافع طبقاتی، گروهی و حزبی در آن‌ها بسیار قوی و تاثیرگذار بود. اما در نهضت ۱۵ خرداد، توده مردم و متن اصلی جامعه که عموم مردم است، محور بودند، به عبارت دیگر، برعکس جنبش‌های قبلی، مردم فقط ابزاری نبودند که بعد از پیروزی کنار گذاشته شوند. امام خمینی درباره ماهیت مردمی قیام ۱۵ خرداد می‌فرماید: ای کسانی که احتمال می‌دهید که غیر مسلمین و غیر اسلام کسی دیگر دخالت داشته است. شما مطالعه کنید، بررسی کنید، اشخاصی که در ۱۵ خرداد جان دادند، سنگ‌های قبرهای آنها را ببینید کی بودند اینها، اگر یک سنگ قبر از این قشرهای دیگر غیر اسلامی پیدا کردید، آنها هم شرکت داشته‌اند. اگر در قشرهای اسلامی، یک سنگ قبر از آن درجه‌های بالا پیدا کردید، آنها هم شرکت داشته‌اند، ولی پیدا نمی‌کنید، هر چه هست این قشر پایین است، این قشر کشاورز است، این قشر کارگر است، این تاجر مسلم است، این کاسب مسلم است، این روحانی متعهد است، هر چه هست از این قشر است، پس ۱۵ خرداد را به تبع اسلام اینها به وجود آوردند و به تبع اسلام اینها حفظ کردند و به تبع اسلام اینها نگهداری می‌کنند. (۲)

قیام ۱۵ خرداد پیش از هر چیز رنگ عاشورایی و ماهیت عاشورایی داشت و در نتیجه، منافع فردی، گروهی و حزبی در آن به چشم نمی‌خورد، قیام ۱۵ خرداد، قیامی برای مقابله با یزیدیان بود که آستین بالا زده بودند تا اسلام و حقایق نورانی آن را بپوشانند. امام خمینی درباره ماهیت عاشورایی قیام ۱۵ خرداد می‌فرماید:

سالروز خرداد ۴۲ خمیر مایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذل انقلاب اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیر مایه و بذل

پربرکت را در عصر عاشورای ۸۳ جستجو کند؛ عصر عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت آفرین سید مظلومان و سرور شهیدان ؛ عصر عاشورایی که خون طاهر و مطهر ثارالله و ابن تاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشه انقلابات اسلامی را آبیاری نمود. ملت عظیم الشان در سالروز شوم این فاجعه انفجار آمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود ، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می شد . واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیه الله ، ارواحنا لمقدمه الفدا ، در هر مقطع انقلاب ساز است . آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کردند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند ، و در ۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستمشاهی خود گور خود را کردند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش بجا گذاشتند که ملت عظیم الشان ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می فرستد . (۳)

اگر امروز به نتایج و آثار و پیامدهای متعالی قیام ۱۵ خرداد بنگریم ، مشاهده خواهیم کرد که اکنون کلی جهان در حال و هوای قیام ۱۵ خرداد است و ستیز با ستم و قدرت ها استکباری و گرایش به حق و احساس فداکاری در راه حق ، سیره بخش بزرگی از محرومان و مستضعفان جهان شده است ، بعضی همان هدفی که قیام ۱۵ خرداد به دنبال آن بود بنابراین ، اکنون قیام ۱۵ خرداد ، جهانی شده است .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۵۶۴/۱۵-قیام-ماهیت-درنگی>